

ریاست جمهوری زنان

دکتر جمیله کدیور

است از:

- تدوین کنندگان قانون اساسی آشکارا منظور خود را از واژه «رجل» اعلام نکرده‌اند؛
 - در عرف، مراد از رجل سیاسی- مذهبی، شخصیت سیاسی- مذهبی به گونه‌عام، چه زن و چه مرد است؛
 - در ادوار گذشته انتخابات عرف و روشی از جهت رد صلاحیت زنان به حیث مرد نبودن پا نگرفته است.
- هر چند برایه اصل ۹۸ قانون اساسی وظيفة تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است^۱ و این تفسیر تا امروز در رابطه با اصل ۱۱۵ قانون اساسی و پیرامون بحث «رجل» انجام نشده است- ولی این، مانع برداختن به مباحث مطرح در جامعه بارویکردی علمی نخواهد بود.

در این مقاله که نقطه آغازی است برای طرح جامع تر و دقیق تر موضوع از سوی صاحب نظران، تلاش شده با توجه به شباهتی که در جامعه- چه نزد نخبگان و چه توده مردمان- پیرامون این موضوع دیده می‌شود، نگاهی به پیشینه تصویب اصل ۱۱۵ قانون اساسی و مباحث مطرح شده نشستهای موردنظر افکنده شود.

در شرایطی که به نظر می‌رسد شورای نگهبان از تفسیر مستقیم اصل ۱۱۵ پرهیز دارد و سخنگوی پیشین این شورا بی‌درنظر گرفتن فرایند تفسیر اصول قانون اساسی از سوی

پیش‌گفتار

آیا و اگذاری مسئولیت ریاست حکومت به زنان منافاتی با شرع و قانون دارد؟ آیا زنان نیز در ایران می‌توانند رئیس جمهوری شوند؟ آیا اصل ۱۱۵ قانون اساسی که شرایط رئیس جمهوری را بنوان یک رجل مذهبی و سیاسی با برخی ویژگی‌ها مورد اشاره قرار می‌دهد، معنی برای حضور زنان در عرصه ریاست جمهوری است؟ منظور واقعی تدوین کنندگان قانون اساسی از رجل مذهبی و سیاسی چه بوده است؟ آیا عرف و روش در ادوار گذشته انتخابات ریاست جمهوری، می‌تواند مبنایی برای تأیید یاری زنان در انتخابات ریاست جمهوری باشد؟...

این پرسشها، پرسش‌هایی بنیادی است که سال‌ها است توجه جامعه زنان را به خود معطوف داشته است، بی‌آنکه پاسخ روشنی گرفته باشد. این بحث‌ها بویژه در ماههایی که به انتخابات ریاست جمهوری در کشور نزدیکتر می‌شود، گرم تر و حساس‌تر است.

فرض این مقاله که رویکردی تلفیقی (تاریخی- فقهی) به موضوعی سیاسی دارد، آن است که بر پایه آموزه‌های دینی و آرای مذهبی، زنان صلاحیت پذیرش مسئولیت ریاست و حکومت را دارند. فرض‌های فرعی این پژوهش عبارت

تصویب این قانون پردازیم و دلایل موافقان و مخالفان را ارزیابی کنیم.

مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و اصل ۱۱۵

در نشست چهل و پنجم مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هنگامی که نوبت به بحث و رأی‌گیری درباره اصل مرتبه باویژگیهای رئیس جمهوری رسید، نایب رئیس مجلس آن را به نشست بعدی موکول کرد و گفت:

«اصل ۸۹ مربوط می‌شود به خصوصیات رئیس جمهور که امروز مقدار زیادی رویش بحث شد و چون به تیجه نهایی نرسیدیم، قرار شد فردا صبح نیم ساعت وقت صرف کنیم، بلکه به یک تیجه نهایی برسیم. بنابراین، این اصل آماده نشد...»^۷

نکته مهم آن است که شاید مباحثت مورد اشاره نایب رئیس مجلس، مباحثت مطرح شده در جلسات کمیسیون‌های هفت گانه یا کمیسیون مشترک یا شورای هماهنگی بوده است، چون در متن مجموعه چهار جلدی مشروح مذاکرات جلسات علنی، اثری از این بحث و گفتگوها در جلسه موردنظر به چشم نمی‌خورد.

گفتنی است که اصل ۸۸ (اصل ۱۳ کنونی) نیز که رئیس جمهوری را پس از مقام رهبری عالی ترین مقام رسمی کشور می‌داند که مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه گانه و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد، در جلسه قبلی به تصویب رسیده بود.^۸ در ادامه نشست چهل و پنجم، اصول دیگر یعنی اصل ۱۱۶ (۹۰ کنونی)، اصل ۱۱۶ (۹۱ کنونی)، ۱۱۷ (۹۲ کنونی)، ۱۱۸ (۹۳ کنونی)، ۱۱۹ (۹۴ کنونی)، ۱۲۰ (۹۵ کنونی) تصویب شد. در پایان این نشست، نایب رئیس گفت که اصل ۹۶ مربوط است به سوگند که چون متن سوگندنامه را آقایان تهیه نکرده‌اند، به فردا موکول می‌شود و سرانجام در نشست ۴۶ این اصل (اصل ۹۶ زیر عنوان اصل ۸۹ (اصل ۱۲۱ کنونی) مطرح می‌شود؛ نایب رئیس در آغاز نشست یاد شده گفت:

«دستور جلسه امروز مشتمل بر هفت اصل خدمت دوستان است اول اصل ۸۹ است که در ردیف اصولی که داشتیم، قرار داشت، مربوط به سوگند

شورای نگهبان به روشی^۹ اشاره کرده است که نمی‌تواند مبنای تحلیل باشد، تبارشناسی این اصل اهمیت دوچندان می‌یابد.

به سخن دیگر، صرف ورود زنانی که بیشتر شخصیت‌های غیرسیاسی شناخته می‌شده‌اند به میدان انتخابات در گذشته و رد صلاحیت آنان، نمی‌تواند موجدو زمینه‌ساز شیوه‌ای در این زمینه و راهنمایی برای آینده دانسته شود.

از سال ۱۳۷۶ که خانم اعظم طالقانی برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم اعلام آمادگی و خود را نامزد کردو هدف خود را این کار نمادین، روشن نمودن تکلیف «رجال» عنوان کرد^{۱۰}، تا انتخابات هشتم که نزدیک به ۵۰ زن خود را نامزد ورود به این عرصه کردند و تا امروز که انتخابات نهم ریاست جمهوری برگزار شده و در آن بیش از ۱۰۰ زن خود را نامزد کرده بودند، با وجود تلاش فعالان سیاسی زن، هنوز تکلیف «رجال» روشن نشده است.

هر چند رد صلاحیت زنان بعنوان نامزد ریاست جمهوری در دوره‌های گذشته نه به حیث زن بودن، بلکه به دلایلی دیگر عنوان شده است^{۱۱}، به نظر می‌رسد شورای نگهبان در مقام تنها مตولی تفسیر قانون اساسی، به علل گوناگون داخلی یا خارجی، به تفسیر اصل ۱۱۵ نپرداخته است.

برایه اصل ۱۱۵ قانون اساسی، رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب گردد:

ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حُسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.^{۱۲}
نظرهای ناهمانگ و گاه متناقض سخنگوی شورای نگهبان در گذشته نیز تنها نظرهایی شخصی شمرده می‌شود، و از دید قانونی نمی‌تواند بیانگر دیدگاه رسمی شورای نگهبان در این زمینه باشد.^{۱۳}

در همان حال، فعالان زن نیز نگرانند که مبادا در شورای نگهبان، با تفسیری یکسره مضيق، محدود و بسته، هرگونه فرصت عملی از آنان در این زمینه گرفته شود.

برای روشن شدن بحث، لازم است به بررسی دیدگاه نمایندگان مجلس بررسی کننده قانون اساسی به هنگام

آقای عضدی نخستین مخالف این اصل، با آوردن دو شرط در این ماده که از دید او تحصیل حاصل بود، مخالفت کرد: یکی آوردن «قید مذهب رسمی کشور» که به اعتقاد وی شرط مسلمان بودن و مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی بودن کافی بود و دیگری «مرد بودن». به باور او ذکر «مرد بودن هم لازم نیست، این هم تحصیل حاصل است.» وی پیشنهاد کرد: «رئیس جمهور باید ایرانی الاصل، تابع ایران و مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی (الازم نیست مرد باشد) و دارای حُسن سابقه و امانت و تقواباشد.»^{۱۴}

آیت الله منتظری رئیس مجلس خبرگان، عنوان نخستین موافق این ماده، به هر دو ایراد آقای عضدی پاسخ داد که تنها به بخشی از سخنان ایشان که به موضوع این نوشتار مربوط است اشاره می‌شود. آیت الله منتظری گفت:

«... و اما راجع به مسئله مرد بودن، ما مسلمات اسلام را نمی‌توانیم کنار بگذاریم و از طرفی نمی‌خواهیم به خواهران خودمان جسارتی شده باشد، یا حقی از آها سلب کیم. در مسئله حکومت و ولایت این اشتباه است که ماختیال می‌کنیم حق است، این مسئله وظیفه و مسئولیت است و مسئولیت باری سنگین است. چنانکه خدای تعالی به دوش عدهٔ خاصی بگذارد وزن هاران خواهند این مسئولیت سنگین به دوششان بگذارند. این هنگام حرمت به زنها نشده و حقوقی از آنها تضییع نشده است و من عرض کردم، در فقه اسلام، مسئله ولایت و مسئله قضاوت را گفته‌اند که مخصوصاً مرد هاست و چون مسئولیت خیلی سنگینی است که عاقب زیادی دارد، فقط عرض کردم در قضاوت راجع به اموال، ابوحنیفه که یکی از مراجع اهل سنت است در قضاوت اموال فتوایش این است که زن می‌تواند قاضی بشود، آن هم قیاس کرده است با باب شهادت. چون اهل تسنن قیاس را حجت می‌دانند، ولی غیر از ابوحنیفه بقیه ائمه چهار گانه اهل سنت ولایت را می‌گویند منحصر به مرد است و قضاوت را هم آن سه نفر غیر از ابوحنیفه حجت می‌دانند. در فقه شیعه اتفاق علمای شیعه است، در جمع اعصار و ما این را مطمئن هستیم که خواهران ما چون معتقد

رئیس جمهور است و چون متن سوگندنامه کامل نشده بود، موکول شد به امروز...»^{۱۵}

بدین‌سان بر پایه مذاکرات در نشست ۴۵، درباره اصل ۸۹ (ویژگیهای رئیس جمهوری) در نشست ۴۶ با عنوان سوگندنامه رئیس جمهوری رأی گیری شدو پس از سخنان موافقان و مخالفان، این اصل به تصویب رسید.

در ادامه این نشست اصول ۹۶ (۱۲۳) ۹۷ (جديد)، ۱۲۴ (۹۸ جديد)، ۱۲۸ (۱۰۱ جديد)، ۱۲۹ (۹۹ جديد)، ۱۳۰ (۱۰۲ جديد) به بحث گذاشته شدو به تصویب رسید. این روند تا پایان نشست پنجاهم، به استناد مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی درباره اصول گوناگون مربوط به قوه مجریه، جز اصل مورد نظر ادامه یافت. به سخن دیگر ویژگیهای رئیس جمهوری در زمانی که بحث درباره اصول مربوط به قوه مجریه مطرح و در جریان بوده، در نشستهای موردنظر، بررسی و تصویب نشده است، بلکه این اصل در نشست ۶۴ بررسی قانون اساسی مطرح و پیشنهاد شده است.

در حالی که اصل ۱۱۵ جدید قانون اساسی، نخست در پیش‌نویس اولیه قانون اساسی و ماده ۷۶ پیشنهادی، بدین شرح بوده است:

«(رئیس جمهور باید مسلمان و ایرانی الاصل و تابع ایران باشد)»^{۱۶}، در نشست ۶۴، بوسیله نایب رئیس زیر عنوان اصل ۸۸/۱، به این شرح خوانده شد:

«اصل ۸۸/۱- رئیس جمهور باید ایرانی الاصل، تابع ایران، دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی ایران، مرد و دارای حُسن سابقه و امانت و تقواباشد.»^{۱۷}

البته نایب رئیس مجلس بی‌درنگ پس از خواندن این متن، گفت:

«یک متن به جای این پیشنهاد شده که می‌خوانی: رئیس جمهور باید ازین رجال دینی و سیاسی که واحد شرایط زیر باشند، انتخاب گردد. ایرانی الاصل، تابع ایران، دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن و حُسن سابقه و امانت و تقوامؤمن به مبانی جمهوری اسلامی باشد.»^{۱۸}

پس از خواندن این متن، یکی از نمایندگان گفت که: «(این از متن اولی بخوبی است).»^{۱۹}

به این مرحله از تکامل و پویایی برستند، باز در مرتبه رهبریت و امامت نیستند، بلکه یک قدرت اجرایی است که از طریق رهبر، اگر لیاقت‌ش را داشته باشدند. یعنی دارای امانت و تقواو حسن سابقه و مؤمن به مبانی اسلام باشند، می‌توانند احرار کنند، زیرا زن هم می‌تواند مؤمن و دارای امانت و تقواو باشد و قدرت سیاسی زن را اسلام امضامی کند، که این قدرت سیاسی زن برای مردان یک زمینه‌ای است که مردان عظیم به آن تکیه‌ای که به غیر، سخن می‌گویند، اشاره می‌کنند. و حالا اگر در اسلام نبوده، مخالف اسلام نمی‌خواهیم باشد، رهبر امضاء نمی‌کند. می‌گوییم بحثی نیست که ما این را بگذاریم و باعث ناراحتی شود و سد سبیل الله هم شود. چون بالآخره این راه باید باز شود و همه اگر امکان دارند، در این راه کار کنند، اگر توانند، نمی‌رسند، بنابراین گذاشتن این مورد چه نیازی است.^{۱۶}

موافق بعدی آقای جواد فاتحی نماینده حوزه کردستان نیز به هر دونکته موردن اعتماد اعراض مخالفان پاسخ داد. وی درباره شرط مرد بودن، از منظر دیگری وارد شد و گفت: «... و اما مطلبی که خواهرمان خانم گرجی راجع به زن فرمودند همانطوری که استاد محترم آقای متظری فرمود، بحث از مسئولیت است و این یک بار سنگینی است که اسلام همواره رعایت کرده است. چون عاطفه و احساسات در زن قوی و عقل کم است (اعتراض نمایندگان) روی این اصل خواسته است حکومت و قضاؤت در اسلام به زن نرسد و این از مسلمات فقه اسلام است و اصل قیام ما از چهارده قرن قبل روی همین برنامه استوار بوده است که در اسلام حکومت به زن نمی‌رسد. بنابراین اینکه فرمودند «وكاله» چنین مطلبی نیست و رئیس جمهور عین حکومت و قضاؤت است و در اسلام همانطوری که خواهرمان تذکر دادند، تمام خواهران ماه مسلمانند. آنچه را که اسلام به آنها داده است، می‌خواهند و اضافه نمی‌خواهند چون می‌دانند برخلاف حقیقت است و آنچه را که اسلام

به اسلام هستند و انقلاب ماه مه انقلاب اسلامی است، مسلمان خواهران ماناراحت نمی‌شوند از اینکه آن چیزی که مطابق موازین اسلامی است، بنویسیم.

این که آقای عضدی فرمودند توضیح واضح است. مادر مقام بیان هستیم و اگر بعضی از مطالب را در موقع بیان، ذکر نکنیم، این غلط است و به ما اشکالی وارد نمی‌شود که شما چرا تمام شرایط را ذکر نکردید یا باید شرایط ذکر نشود، ولی اگر ذکر شد، بایستی همه آن کامل باشد و ما تحاشی نداریم از گفتن حق و احکام اسلامی را بدون بیم می‌گوییم و مطمئن هستیم که نه خواهران ماناراحت می‌شوند، نه برادران اهل سنت ما. زیرا برادران ما می‌دانند که اکثریت این مملکت شیعه مذهب هستند و خواهران هم می‌دانند که آنچه مطابق موازین اسلام است عمل خواهد شد و مسلمان حقوق هیچکس تضییع نخواهد شد و من پیشنهاد می‌کنم که نوشته بشود، برای اینکه اگر بخواهیم بنویسیم به ما اشکال می‌کنند که چطور شده است که این قید را در اصل نیاورده‌اند. البته با آن متن پیشنهادی که اول خوانده شد مخالف نیستیم، آن هم باشد، اشکالی ندارد.^{۱۵} درباره استدلال آیت الله منتظری مبنی بر اتفاق علمای شیعه بر مرد بودن والی یا قاضی، پس از این توضیح خواهیم داد. آنچه از سخنان ایشان بر می‌آید، همچنین سنگین بودن مسئولیت و تناسب نداشتن این سنگینی با ویژگی های زنان است. خانم گرجی، تنها نماینده زن عضو مجلس خبرگان، بعنوان مخالف با مرد بودن رئیس جمهوری در پاسخ گفت: «وقتی که اکثریت مردم باید رأی بدهنند، اگر خلاف شرع باشد، رأی نخواهند داد و همچنین مرد تأیید رهبر هم باید باشد. با توجه به اینکه در اینجا ولايت هم نیست و ولايت بارهبری و فقط تنفيذ امر است و یک قدرت اجرایی و یک وکالت است. اگر چنین چیزی در کشور اسلام نیست، چه دلیلی دارد هم قید اول را که مذهب رسمی کشور است و هم قید کلمه «مرد» بودن را دارا باشد و به نظر من اصلاً این قید لازم نیست، زیرا با توجه به اینکه اگر احیاناً زنا

جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.^{۲۰}
این اصل بی هرگونه بحث تازه از سوی اعضای مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی به رأی گذاشته شدو تیجه رأی گیری چنین بود: عدّه حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی ۶۰ نفر، تعداد کل آراء ۶۰ رأی، موافق ۵۲ نفر، مخالف ۴ نفر و ممتنع ۴ نفر.

بدین سان این اصل جدید بی اظهار نظر موافقان و مخالفان به تصویب رسید.
آقای علی اکبر پرورش نماینده استان اصفهان در اعتراض به این روند گفت:
«قاعدتاً باید یاک مخالف و یاک موافق راجع به این اصل

صحبت می کردند.»^{۲۱}

رئیس جلسه پاسخ داد:

«قبلًاً به اندازه کافی صحبت شده بود.»^{۲۲}

آقای پرورش گفت:

«روی این اصل، اصلاً بحث نشده بود.»^{۲۳}

آقای هاشمی نژاد یکی از اعضای مجلس گفت:

«صبح راجع به آن خیلی بحث شد.»^{۲۴}

آنچه از مطالب مطرح شده درباره این اصل در نشستهای یاد شده، می توان دریافت، چنین است:

۱- شرط مرد بودن رئیس جمهوری در نخستین پیش نویس قانون اساسی مطرح نبوده است.

۲- گروه بررسی اصول قانون اساسی چند شرط برای رئیس جمهوری، افزون بر سه شرط یاد شده در نخستین پیش نویس، از جمله شرط «مرد بودن» را افزوده است.

۳- اصل ۸۸/۱ پیشنهاد شده از سوی گروه بررسی اصول با محوریت دو ویژگی چالش انگیز یعنی «داشتن مذهب رسمی» و «مرد بودن» را مجلس خبرگان پس از دوبار رأی گیری، در نشست شصت و چهارم کند.

۴- آرای مخالف و ممتنع نماینده‌گان در نشست شصت و چهارم به اصل ۸۸/۱ با توجه به دو موضوعی که توسط مخالفان حول «مذهب رسمی» و «مرد بودن» عنوان می شود، بی گمان ناظر به همین دو ویژگی بوده است.

۵- در همان نشست، نایب رئیس جلسه متن پیشنهادی دیگری را می خواند که مورد بحث موافق و مخالف قرار نمی گیرد.

دارد، قبول می کنند و می دانند وقتی که اسلام این معنارا به آنها نداده است، اگر ما هم بدھیم، چون مسلمان و معتقد به اسلام هستند، نمی پذیرند. بنابراین اسلام حکومت و قضاوت را از باب اینکه مسئولیت بار است، به آنها نداده است.»^{۲۵}

اصل ۸۸/۱ در مورد ویژگیهای رئیس جمهوری در نشست ۶۴ پس از سخنان موافقان و مخالفان به رأی گذاشته شد. در نخستین رأی گیری، نایب رئیس به علت تفاوت چشمگیر شمار حاضران و آرای داده شده، رأی گیری را محدودش اعلام کرد و بار دیگر اصل ۸۸/۱ را به شرح زیر به رأی گذاشت:

«رئیس جمهور باید ایرانی الاصل، تابع ایران، دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی ایران، مرد و دارای حسن سابقه و امانت و تقوای باشد.»

نتیجه رأی گیری دوباره چنین بود: عدّه حاضر ۶۲ نفر، تعداد کل آراء ۶۴ رأی (که ۲ رأی به قید قرعه حاضر می شود)، موافق ۳۵ رأی، مخالف ۸ رأی، ممتنع ۹ رأی که این اصل در نشست یاد شده به تصویب نرسید.^{۲۶}

آقای لطف الله صافی نماینده استان مرکزی، در واکنش به نتیجه رأی گیری، در حال خروج از جلسه گفت: «علوم می شود این امر مجلس احکام مسلم اسلام را هم قبول ندارد.»^{۲۷}

سخنان وی در همهمه نماینده‌گان گم می شود. اصل یاد شده در نشست بعداز ظهر (نشست ۶۵) به گونه دیگری به رأی گذاشته شد. آیت الله منتظری رئیس جلسه در میانه نشست شصت و پنجم گفت:

«...ما اصلی داشته ایم که قبل از ظهر مطرح شد، ولی تصویب نشد، هیأت رئیسه تغییراتی در متن آن داده است. الان با آن تغییرات بدون بحث مجدد آن اصل را به رأی می گذاریم:

اصل ۸۸/۱- رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب گردد:

ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی

چند به فاصله چند ساعت، این نکته به ذهن می آید که در رابطه با گروهی که نظر خود را از صبح تابع دار ظهر تغییر داده اند، بین دو ماده به رأی گذاشته شده در محورهای مورد بحث، به لحاظ محتوایی، تغییر کیفی جدی صورت گرفته، به گونه ای که شمار موافقان از ۴۵ به ۵۲، شمار مخالفان از ۸ به ۴ و شمار کسانی که رأی ممتنع داده اند از ۹ به ۴ رسیده است. این بدان معنی است که باور این گروه که نظرشان تغییر کرده، منظور از «رجال مذهبی و سیاسی» نمی تواند «مردان» باشد و مراد از دارای «اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی و مذهب رسمی» نمی تواند «دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن» باشد، که اگر این دو دارای مضمون و محتوا دانسته می شد، به فاصله چند ساعت شاهد تغییر نظر آنان و تغییر آراء نمی بودیم.^{۲۵}

مبانی نظری استدلال مخالفان ریاست زبان در مجلس خبرگان قانون اساسی

از آنجا که استناد موافقان مرد بودن رئیس جمهوری به دو محور زیر یعنی:

۱- اتفاق علمای شیعه و سنی بر اینکه مسئله ولايت و قضاوت، ویژه مردان است؛
۲- طبیعت زنان به لحاظ نیرومند بودن عاطفه و احساسات و کم بودن عقل با پذیرش این مسئولیت تناسب ندارد،

بر می گردد، لازم است ضمن شرح دقیق این دیدگاه، به نقد فقهاء و علمای مخالف از دو محور یاد شده بپردازیم.

مبانی نظری طرفداران «مرد بودن» حاکم / رئیس دولت

آیت الله منتظری در بحث پیرامون شروط حاکم اسلامی، مرد بودن را از جمله شروط رهبری دانسته اند. هر چند ایشان می پذیرند که در فقه شیعه امامیه با بی این عنوان گشوده نشده، ولی چون در باب قضاوت در ارتباط با صفات قاضی این مبحث به صورت گسترده مطرح گردیده، و حتی ادعای اجماع بر ضرورت مرد بودن قاضی شده است، با توجه به اینکه قضاوت شعبه ای از شعبه های حکومت و

۶- در نشست بعدی، متن پیشنهادی دیگری بی هرگونه بحث و تبادل نظر موافق و مخالف به رأی گذاشته می شود. این متن تازه کمایش همان متنی بود که در نشست قبلی از سوی نایب رئیس خوانده شده بود، با چند تفاوت:

الف- در متن پیشنهادی صبح «رجال دینی و سیاسی» و در متن پیشنهادی بعداز ظهر «رجال مذهبی و سیاسی» آمده بود؛

ب- در متن پیشنهادی صبح آمده بود که رئیس جمهوری باید «دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن» باشد، در حالی که در متن پیشنهادی بعداز ظهر عبارت «معتقد به مذهب رسمی کشور» به جای آن نشسته بود؛

پ- در متن پیشنهادی صبح عبارت «مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی» و در متن پیشنهادی بعداز ظهر «معتقد به مبانی جمهوری اسلامی» آمده بود.

۷- متن اصل ۸۸/۱ که در نشست شصت و چهارم رد شد و اصل جایگزین ۸۸/۱ که در نشست شصت و پنجم به تصویب رسید، با توجه به دو نکته ای که مخالفان بر آن انگشت گذاشته و موافقان هم پیشتر در باره آن سخن گفته بودند، دو تفاوت عمده داشت:

الف- به جای شرط «مرد بودن»، عبارت «از میان رجال مذهبی و سیاسی» آمده بود.

ب- «دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن... و مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی» به «معتقد به مبانی جمهوری اسلامی و مذهب رسمی کشور» تبدیل شده بود.

با توجه به اعتراض یکی از نمایندگان مبنی بر اینکه «در رابطه با متن جدید هیچ موافق و مخالفی صحبت نکرده است» و پاسخ رئیس جلسه و یکی از نمایندگان که «قابلً به اندازه کافی بحث شده است»، به نظر می رسد برداشت رئیس و شماری از نمایندگان، این بوده است که توضیحات موافقان و مخالفان، شامل حال متن جایگزین هم می شود.

گذشته از آن، چون در مشروح مذاکرات غیر از اعتراض آقای پرورش، اعتراض دیگری به این روای رأی گیری ثبت نشده است، به نظر می رسد که این احتمال دستکم در رابطه با موافقان وجود داشته باشد.

با توجه به تصویب نشدن ماده ۸۸/۱ از سوی نمایندگان در نشست صبح و تصویب همان ماده با اصلاحاتی

حکومت بحث کرده‌اند و به شرایط حاکم نیز پرداخته‌اند، مردی را از شرایط امام با والی قرار داده‌اند و قرار گرفتن زن را در رأس قدرت جایز نشمرده‌اند.^{۲۹}

به اعتقاد علامه شمس الدین، چون متکلمان امامیه شرایط لازم برای حاکم / رئیس حکومت را که معیار تعیین یا انتخاب باشد، بررسی نکرده‌اند و در فقه نیز مسائل سیاسی حکومت از سوی فقیهان بررسی نشده است، به شرایط معتبر برای حاکم / رئیس حکومت - از جمله مرد بودن - پرداخته شده است. از همین‌رو نمی‌توان مدعی شد که شرط مرد بودن برای حاکم / رئیس دولت، مورد وفاق - تاچه رسید به اجماع - بوده است؛ زیرا از هیچ فقیهی در این زمینه سخنی شنیده شده است. هر کس درباره لزوم مرد بودن حاکم / رئیس دولت، بی‌آنکه به اجماع استدلال کند، یا امکان استدلال داشته باشد، تنها به دعوی اجماع بر سر لزوم مرد بودن قاضی و ملازمه داشتن قضاوت با حاکمیت / ریاست دولت استناد می‌کند.^{۳۰}

شمس الدین معتقد است استدلال به اجماع برای اثبات اینکه حاکم / رئیس دولت باید مرد باشد، منوط به دو امر است: تخصیت ثبوت اجماع بر سر اینکه باید قاضی مرد باشد؛ دوم ثبوت ملازمه میان قضاوت و حاکمیت / ریاست دولت در عصر غیبت... و هر دو امر غیر مسلم است؛ یعنی نه در این باره که قاضی باید مرد باشد، اجماع وجود دارد، نه میان قضاوت و حکومت در عصر غیبت ملازمه وجود دارد، زیرا قضاوت در دوران غیبت از اختیارات ثابت و مسلم حاکم / رئیس دولت به شمار می‌آید.^{۳۱} وی بر این باور است که با بررسی دقیق قرآن کریم، روایات و... نمی‌توان بر پایه کتاب، سنت، اجماع و وجود استحسانی ثابت کرد که رئیس دولت باید مرد باشد و دلایل مطرح شده، هیچ یاک دلالت بر این مدعّعاً ندارد.^{۳۲}

آیت الله صانعی نیز از فقیهانی است که در این زمینه نظر داده‌اند. ایشان می‌گویند: شرط ذکوریت در قضاوت، همان‌گونه که در مرجعیت و لایت شرط نیست، در قضاوت هم شرط نیست و معیار در جواز قضا، علم و معرفت به موازین اسلامی قضا و قوانین است و مرد بودن، خصوصیت ندارد و اگر کلمه «رجل» در روایتی آمده، حسب متعارف در

نشانی از شئون ولایت و بلکه از مهمترین شعبه‌های آن است، شاید بتوان دلیل‌های ضرورت مرد بودن قاضی رادر باب اصل حکومت نیز مورد استناد قرار داد....^{۲۶}

ایشان همچنین با استناد به تفاوت زن و مرد در نظام آفرینش، مفهوم عدالت در فرهنگ اسلامی و سنگین بودن حکومت بعنوان امانتی الهی، معتقدند که حکومت با همه شعبه‌های آن از جمله قضاوت، در شمار و ظایف خطیری است که به سر نوشته همه مردمان و مقیرات آنان مربوط می‌شود و کوتاهی در انجام دادن مسئولیت‌های آن، چه رسد به تقصیر، زیان‌های بسیار به بار می‌آورد و انجام دادن این مسئولیت‌ها اگر چه به عواطف نیز نیازمند است، بسی بیشتر به عقل و تدبیر و دقّت و حوصله و توجه به پایان کارها نیازمند است، چنان‌که بر اهلش پوشیده نیست.

گذشته از آن، حکومت مستلزم سختی‌ها و مشکلات بسیار است و بی‌گمان گذاشتند چنین باری به دوش زنان، با ظرافت جسمی و روحی آنان و نیازشان به سکون و آرامش و فرار از درگیری‌ها منافات دارد.^{۲۷}

مشابه این نظر را، البته نه به این دقّت و تفصیل، افراد دیگری نیز داده‌اند. آیت الله مرتضی مقتداً نماینده مجلس خبرگان رهبری در پاسخ به پرسش کمیته زنان در مجلس ششم درباره اصل ۱۱۵ قانون اساسی، بایان مسئلهٔ ولایت و اینکه ریاست جمهوری شاخه‌ای از ولایت است، در ولایت شرط مرد بودن را معتبر دانسته است. البته ایشان مرد بودن در ولایت را دلیل وجود نقص در خانم‌ها یا امری که برخلاف شأن و حرمت و منزلت آهان باشد، نمی‌داند، بلکه آن را ناشی از کیفیّت آفرینش انسان و اختلاف زن و مرد در خلقت عنوان می‌کند.^{۲۸}

دیدگاه مخالفان

علامه شمس الدین در ابطه با فرایندی که به پافشاری بر شرط مرد بودن حاکم از سوی فقهاء شیعه شده است، می‌نویسد:

فقهاء شیعه امامیه، نه تنها مسئله قبول حکومت از جانب زن را در نوشه‌های خود نیاورده‌اند، بلکه در بحث‌های فقهی خود به شرط مردی حاکم نیز پرداخته‌اند. متکلمان معاصر امامیه که در مورد

جهان کنونی تو استه است توانمندی و قوه عقلانی خویش را در عرصه های عملی و اداری و کشاکش های اجتماعی و حکومت داری، در موضع متعدد و جوانب گوناگون، به تصویر بکشاند.^{۳۶}

آیت الله موسوی بجنوردی ضمن اینکه به روشنی دیدگاه خود را درباره و اژه «رجل» بیان کرده است، می گوید: «مقصود از رجل سیاسی مذهبی در اصل ۱۱۵ قانون اساسی، شخصیت سیاسی است، نه مرد سیاسی؛ و این معنی که در جوامع فرهنگی عربی متداول است، مثلاً می گویند رجل علم، رجل فضیلت، رجل اخلاق، رجل سیاست، یعنی شخصیت علمی و شخصیت فضیلت، شخصیت اخلاق و شخصیت سیاسی.^{۳۷} در مورد قضایت زنان نیز که برخی از فقهاء ادعای اجماع در رابطه با شرط مرد بودن قاضی را کرده و به استناد آن مرد بودن را از حوزه قضا به حوزه حکومت و ریاست ترسی داده اند، می نویسد:

«فقیه فرزانه محقق اردبیلی (قده) ادله قائلین به اعتبار شرط جولت قاضی را کافی ندانسته و بر آن است که هرگاه اجتماعی بودن این شرط ثابت نشود، ظاهرآ دلیلی بر جایز نبودن قضای زن در مسائلی که وارد زن به آن مسائل شرعاً من نگردیده، نداریم.^{۳۸} بدینسان می بینیم که ایشان نیز با طرح و توضیح تشکیک محقق اردبیلی نسبت به اجماع ادعایی بر سر شرط مرد بودن قاضی، این نگرش را مردود می داند، بگذریم از اینکه به گونه شفاف نظر خود را پیرامون ریاست و حکومت زنان نیز اعلام کرده است.

آیت الله سید حسین موسوی تبریزی از دیگر علمای صاحب نظر در این زمینه می گوید:

«آنچه مسلم است نه در شرع و نه در فقه، هیچ گونه معنی برای رئیس جمهور شدن خانها وجود ندارد و طبق نظر بسیاری از فقهاء، زنان فقط نمی توانند در پست قضایت، امام جمعه و مرجعیت و رهبری مسئول شونند...»^{۳۹}

بهره سخن

با توجه به پرسشهایی که در آغاز این نوشتار مطرح شدو فرضیه های مورد اشاره، از آنچه گذشت، بر می آید که:

مقالمات است و آن روایت، همانند بقیه روایات و مقالمات که تعییر به رجل شده و می شود، قطعاً خصوصیت ندارد و کما این که مردان از قبل ائمه معصوم مجاز در تصدی قضا هستند، زنان هم از قبل آنان مجازند.^{۴۰}

بدین سان، چون شرط مرد بودن در امر حکومت و ولایت و امارت از سوی برخی علماء استناد شرط مرد بودن قاضی عنوان می شود، پاسخ آیت الله صانعی در این زمینه راهگشاست. ایشان همچنین در مصاحبه با خبرنگار روزنامه آساهی ژاپن آشکارا در باب ریاست جمهوری زنان گفته اند:

زنان در حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مثل مرد ها هستند و لذا زنان می توانند رئیس جمهور و ولی فقیه بشود، چه رسید به بقیه مقامات (وزارت، قضایت، وکالت...) خلاصه آنکه زن انسان است. پس در همه حقوق مساوی با انسان های دیگر است.^{۴۱}

آیت الله سید محمد حسین فضل الله از دیگر فقهاء شیعه نیز در باب صلاحیت زنان برای عهده گرفتن مسئولیت ریاست و حکومت کشور، به استناد معرفی شدن ملکه سبا (بلقیس) در قرآن کریم عنوان زنی که از توانایی عقلی و برنامه ریزی و هوشمندی برتری نسبت به مردان برخوردار بوده است، می نویسد:

«این تصویر که قرآن کریم - از بلقیس - به ما نشان می دهد، نمایشگر چه دیدگاه اسلامی است؟ و آیا اصولاً این دیدگاه می تواند چنان باشد که بر اساس آن، زن را شایسته حاکمیت ندانیم و عقل اور ابراری حضور در موقعیت های مسئولانه ناقص و ناکارآمد تلقی کنیم؟»^{۴۲}

ایشان ضمن رددلایی که ناظر به ناسازگاری طبیعت زن به علت ضعف یا نقصان عقل باریاست دولت است می گوید: «زن در برخی حالات ها، عقل و علم بیشتری نسبت به مردان از خود نشان داده است. (ضعف) به زن اختصاص ندارد، بلکه زن و مرد را بالسویه در برابری گیرد. بنابراین زن هم می تواند (همچون مرد) پس از چیرگی بر عوامل (ضعف) درونی نقاط قوتی را در وجود خویش فراهم آورد... زن در

به نظر می‌رسد تهار ارفع ابهام در این زمینه، از یک سو نظرخواهی از نمایندگان تدوین کننده قانون اساسی باشد و از سوی دیگر تفسیر رسمی شورای نگهبان؛ و گرنه موافقان و مخالفان همچون گذشته بر پایه ظن خود در این زمینه به گمانهزنی خواهند پرداخت.

پادداشت‌ها

۱. اصل ۹۸. تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم اعضا انجام می‌شود.

۲. خبرنگاری از سخنگوی شورای نگهبان درباره اینکه آیا این نهاد نظارتی آینین نامه‌ای درباره شناسایی رجل سیاسی دارد یا نه، پرسید. سخنگو در پاسخ با اینکه قانون مدونی در این خصوص وجود ندارد، گفت: رجل سیاسی معنای عرفی خاص است که پشتونه آن کار کرد ۸ دوره انتخابات ریاست جمهوری از سوی شورای نگهبان در جهت معیارسازی بوده است... نظر شورای نگهبان درباره رجل سیاسی رویه شده است و این نهاد در این مدت، اجتهاد مستمر کرده است. (برای اطلاع بیشتر رک: سایت گیلان امروز، ۸۴/۲/۱۱).

۳. «چرا کاندیدای ریاست جمهوری شدم؟» پیام هاجر، شماره ۲۲۷

۴. دیبر شورای نگهبان علت رد صلاحیت زنان در انتخابات ریاست جمهوری هفتم را به دلیل جنسیت آنها، بلکه به این دلیل که خانم‌هایی که ثبت نام کرده‌اند، شخصیت مذهبی و سیاسی نبودند، و به همین دلیل نیز نیازی به بررسی شرایط بعدی در رابطه با آنها وجود نداشت، عنوان کرد.

۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۶. وی در نخستین اظهارنظرش در دوم آبان ۸۳ گفته بود: برداشت شورای نگهبان از واژه رجل در اصل ۱۱۵ قانون اساسی تاکنون به معنی جنس مرد بوده است. وی ضمن اشاره به این موضوع که روش کردن معنای لغوی کلمه رجل وظیفه فرهنگستان زبان فارسی است، اظهار داشت که تاکنون از شورای نگهبان خواسته نشده تفسیر رسمی خود را در این زمینه ارائه دهنده.

سخنگوی شورای نگهبان در اظهارنظر دیگری که در دوم بهمن ۸۳ از بولتن خبری تلویزیون (ساعت ۱۴ بعدازظهر) پخش شد، گفت زنانی که دارای صلاحیت‌های لازم باشند، می‌توانند کاندیدای ریاست جمهوری شوند.

البته این اظهارنظر چند ساعت بعد از سوی اوردشده و گفت اصلاً مصاحبه‌ای با تلویزیون در این رابطه نداشته است. «هدف من همان توضیحاتی است که قیلاً داده ام و چیز اضافه‌تری نیست و من مفهوم

- از دید بسیاری از روحانیون و علماء، و اگذاری مسئولیت به زنان، نه تنها منافاتی با شرع ندارد، بلکه به استناد آیات قرآن، امری پذیرفته شده است.

- همچنین به استناد «من حکم به العقل، حکم به الشرع»، ریاست زنان، در جهان امروز امری است پذیرفته شده، و غیر شرعی داشتن آن در ایران، به نظر خلاف خرد جمعی می‌آید.

- با توجه به مهم بودن قانون، ضرورت رمزگشایی و رفع ابهام از قانون، گریز ناپذیر است. این امر بویژه به علت روش نبودن نظر واقعی تدوین کننده‌گان قانون اساسی از عبارت «رجل مذهبی و سیاسی»، ضرورت بیشتری می‌باشد.

- با توجه به هشت دوره پیشین انتخابات ریاست جمهوری و نامزد شدن زنان از دوره هفتم به این سو و راهه نشدن دلیل رد صلاحیت آنان به حیث «زن بودن» در این دوره‌ها، نمی‌توان به شکل گیری عرف در برگزاری انتخابات در دوره‌های گذشته استناد کرد.

چون استناد به عرف، تنها در جایی معتبر است که قانون استناد به آن را مجاز دانسته باشد، در زمینه تفسیر اصل ۱۱۵ نمی‌توان به آن استناد کرد؛ ضمن آنکه آنچه واقع شده، فاقد عناصر مادّی و روانی لازم برای شکل گیری عنوان عرف است.

با توجه به مباحث پیش گفته، یعنی نظر روش و شفاف برخی علماء و فقهاء در رابطه با بحث ریاست و حکومت زنان، همچنین زیر سؤال رفتن بحث اجماع بر زن نبودن قاضی، والی یا حاکم از سوی فقهاء و علماء اعم از متقدمان و متاخران که مبنای اصلی دیدگاه برخی علماء و فقهاء جدید مخالف با بحث قضاوت، وزارت و ریاست جمهوری زنان است، ضرور می‌نماید که بازنگری دوباره‌ای به موضوع مورد بحث، بویژه با توجه به تحولات چشمگیر داخلی و محیط پیرامون داشته باشیم؛ بویژه با توجه به پویایی فقه شیعه و بازبودن باب اجتهاد، فقهاء و علماء مخالف متناسب با تحولات زمان و پیشرفت‌هایی که در حوزه زنان صورت گرفته، باید نگاهی دوباره به مسائل در این زمینه داشته باشند.

به هر رو، با توجه به معنای «لغوی» رجل از یک سو برداشت «مجازی» و اصطلاحی از این واژه از سوی دیگر، که موجب ایجاد شباهه و ابهام در کاربرد این واژه شده است،

۲۳. همان.
۲۴. همان.
۲۵. البته فرض دیگری نیز قابل تصور است و آن بی توجهی به مضمون ماده از سوی نمایندگان حاضر است، که با توجه به مطالب یکنواخت و خسته کننده جلسات، می تواند بعنوان یک فرض موردنظر قرار گیرد.
۲۶. منتظری، حسینعلی، حکومت اسلامی، جلد دوم (امامت و رهبری) ترجمه و تحریر محمود صلواتی (تهران: نشر تفکر، ۱۳۷۹)، ص ۹۹.
۲۷. همان، صص ۱۱۰-۱۰۹.
۲۸. گرامی زادگان، اشرف، «ریاست جمهوری زنان در گرو تفسیر واژه رجال»، شرق، ۱۳ بهمن ۸۳.
۲۹. محمد مهدی شمس الدین، حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام، ترجمه محسن عابدی (تهران: بعثت، ۷۶).
۳۰. همان، ص ۱۰۵.
۳۱. همان، ص ۱۰۶.
۳۲. همان، صص ۱۲۰-۱۱۹.
۳۳. منتخب الاحکام (مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صانعی)، (قم: انتشارات میثم تمّار، ۱۳۸۰)، ص ۲۹۸. سؤال ۷۷۵.
۳۴. سایت آیت الله صانعی [@saanei.org](http://istifta.saanei.org) صفحه حقوق زنان.
۳۵. سید محمد حسین فضل الله، نقش و جایگاه زن در حقوق اسلامی، ترجمه عبدالهادی فقهی زاده، (تهران: دادگستر، ۷۸)، ص ۲۸.
۳۶. همان، ص ۵۹.
۳۷. شرق، پیشین.
۳۸. سید محمد موسوی بجنوردی، مجموعه مقالات فقهی، حقوقی و اجتماعی (تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی (۱۳۸۱) ص ۳۷۹.
۳۹. خبرگزاری مهر، ۸۳/۸/۵.
- جنسيت رانفي نکدام، البته مفهوم شخصيّت بر جسته داشتن در معنای رجال است.»
خبرگزاری مهر در خبر دیگری به نقل از او می نویسد: تاکنون تفسیر رسمي در این باره از سوی شورای نگهبان ارائه نشده است، اما شورای نگهبان از این کلمه برداشت جنسیتی داشته و در مذکرات خبرگان تدوین کننده قانون اساسی نیز توجه به جنسیت بوده، یعنی مرد بودن (خبرگزاری مهر، ۸۳/۸/۸).
- وی در آخرین اظهارنظر خود در خصوص ثبت نام زنان و نظر شورا گفت: نظر شورای نگهبان در خصوص نامزدی زنان در انتخابات ریاست جمهوری بارها به روشنی اعلام شده و در مسوده این ثبت نام کنندگان نیز در زمان مناسب اعلام خواهد شد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ۸۴/۲/۲۴).
۷. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چهار جلد، جلد دوم (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۴)، ص ۱۱۱.
۸. همان، ص ۱۲۱۰.
۹. همان، ص ۱۲۳۲.
۱۰. همان، جلد چهارم، ص ۱۹۷.
۱۱. همان، جلد سوم، ص ۱۷۶۶.
۱۲. همان، همان صفحه.
۱۳. اظهارات آقای عرب در همان جلسه، همان، ص ۱۷۶۶.
۱۴. همان، صص ۱۷۶۶ و ۱۷۶۷.
۱۵. همان، ص ۱۷۶۸.
۱۶. همان، ص ۱۷۷۰.
۱۷. همان، ص ۱۷۷۱.
۱۸. همان، ص ۱۷۷۲.
۱۹. همان.
۲۰. همان، ص ۱۳.
۲۱. همان، ص ۱۷۷۹.
۲۲. همان.